

نقش رسانه در تهدیدها و فرصتهای جهانی شدن برای دین

حمیدرضا آیت‌اللهی

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

فرآیند جهانی شدن که در بسیاری از ابعاد زندگی بشر تاثیر گذارده است فرآیندی اجباری است که بشر امروز را منفعلانه در تحول خویش قرار داده است. این امر به معنای نفی تاثیر فعال بشر در آن نیست. آنها که به دنبال پروژه جهانی سازی (یا افراطی تر آن غربی سازی و حتی آمریکایی سازی) هستند واقفند که علی رغم انفعال در برابر این تحول عظیم می توان نقشی فعال در این فرآیند بازی کرد. چند سالی است توجه اندیشمندان کشورهای مختلف از ابعاد اقتصادی، صنعتی و سیاسی جهانی شدن به طور جدی و فراگیر به جنبه های فرهنگی این فرآیند معطوف شده است. در این میان دین پژوهان معاصر در فرهنگ های گوناگون در صدد واکاوی تاثیر و تأثر دین در این فرآیند هستند.

در این نوشتار سعی خواهد شد پس از بررسی فرصت ها و تهدیدهای جهانی شدن برای دین به ابعاد تأثر دین از جهانی شدن و تاثیر آن بر جهانی شدن پرداخته شود و آنگاه نحوه های تعامل رسانه به عنوان یکی از مهم ترین عناصر جهانی شدن با دین در این روند تاثیر و تأثر به اختصار برشمرده شود. در نهایت در این تحولات موضع ویژه اسلام در میان سایر ادیان متذکر گردد.

در سالهای اخیر توجه پژوهشگران و محافل دانشگاهی به ابعاد فرهنگی جهانی شدن بیشتر معطوف شده است؛ و اهمیت بسیار جنبه های فرهنگی جهانی شدن تا حد زیادی مورد پذیرش متفکران در سراسر جهان قرار گرفته است. گرچه جهانی شدن در اشکال اقتصادی، صنعتی و ارتباطات و سپس دیدگاه های سیاسی بروز پیدا کرد اما این ابعاد بر جنبه های فرهنگی حیات بشری چنان تأثیرگذار بوده است که فرهنگ، محور نظریه پردازی های جهانی شدن گردیده است. سازمان یونسکو به سهم خود پیشتاز بررسی فرهنگی جهانی شدن گردیده است و این مأموریت جهانی را از طریق تهیه و انتشار دو ویرایش از «گزارش فرهنگ جهانی» در سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ که به ترتیب بر موضوعات «فرهنگ، خلاقیت و تجارت» و «تنوع فرهنگی، تعارض و کثرت گرایی» تمرکز داشتند، شروع کرد. ولی این وظیفه خطیر فروگذاشته شد و شکاف و خلأئی باقی ماند که باید پر می شد. در جریانهای روشنفکری، نظامهای فرهنگی با فعالیت های پرمایه و در حال رشد ادبیات جهانی شدن مواجهند. اما این ادبیات تا حد زیادی بر جهانی شدن اقتصادی و گسترش حاکمیت بین المللی قانون به همراه مسائل امنیتی، متمرکز شده است. اگرچه «کتاب سال جامعه مدنی جهانی» (Anheier & others, 2001) و «گزارش پیشرفت بشری» توسط UNDP (2004) و دیگر آثار منتشره سعی شده است به این ناهماهنگی و عدم تعادل اشاره شود، اما با جنبه های اجتماعی جهانی شدن بشکلی ثانوی و تبعی سروکار دارد. حتی جنبه های فرهنگی کمتر شناخته شده اند و جهانی شدن فرهنگی و رابطه میان جهانی شدن و فرهنگ موضوعاتی هستند که نسبتاً کشف نشده و عقب مانده باقی مانده اند.

با این وجود، فرهنگ از طریق مجموعه ای انتشارات مبتنی بر سیاست های عمده و پیامهای سیاسی نهفته در آنها موجب مباحثات بین المللی درباره جهانی شدن شده است. این فرایند با انتشار کتاب «تنوع خلاق ما» (1996) و

گزارش «کمیسون جهانی درباره فرهنگ و توسعه» (توسط یونسکو) که پیوندی قوی میان فرهنگ و توسعه ارائه می‌کرد، آغاز گردید. این گزارش از «التزام به کثرت‌گرایی» به عنوان راه‌حلی میان کل‌گرایی و نسبی‌گرایی افراطی فرهنگی جانبداری می‌کرد. مفهوم «کثرت‌گرایی سازنده» که بعداً توسط یونسکو توسعه یافت، همزیستی خلاق و پویای گروه‌های فرهنگی مختلف را پیشنهاد می‌کرد و شرایط را در جهت قلمروی همگانی که تماس و انتقال خلاق فرهنگی را فراهم می‌ساخت، در کنار هم می‌آورد. محققان امریکائی اعتراف می‌کنند که «گزارش پیشرفت بشری» ۲۰۰۴ در بستری از دلمشغولی‌های غلبه‌ی فزاینده‌ی فرهنگی غرب، مخصوصاً ایالات متحده، نوشته شده است.

این بیان مختصر از تلاش‌هایی که در جهت معرفی و برنامه‌ریزی جنبه‌های فرهنگی جهانی‌شدن می‌شود، نشان‌دهنده محدوده بازی در این عرصه است که باید کشف شود. از این گذشته، ابعاد دینی جهانی‌شدن فرهنگی کمتر مورد بحث قرار گرفته است و باید راهی طولانی برای جستجو و تحقیق گسترده در این موضوع پیموده شود. به امید اینکه در آینده این امر صورت پذیرد.

دین و جهانی‌شدن

جهانی‌شدن به عنوان فرایندی غیرقابل اجتناب از تغییرات شتابان و سریع در حیات بشری، بر تمامی ابعاد فرهنگ بشری به ویژه دین تأثیرگذار خواهد بود. در مقابل، از آنجا که این فرایند فراگیر نمی‌تواند بدون سایر ابعاد حیات بشری چهارچوب و شاکله خود را بدست آورد، لذا همه این ابعاد نقش خاص خود را در پیشبرد جهانی‌شدن ایفا خواهند کرد. در نتیجه دین نیز باید نقش اساسی و قاطع خود را در ساخت بنیان عظیم جهانی‌شدن ایفا کند. از آنجا که جهانی‌شدن ذاتاً مجموعه‌ای به هم پیوسته است لذا با غفلت و چشم‌پوشی از نقش مهم دین، فهم جهانی‌شدن غیر ممکن خواهد بود.

نقش منفعل یا حضور فعال در دنیائی جهانی‌شده

جهانی‌شدن فرایندی گریزناپذیر در زندگی انسان، و نتیجه‌ی ضروری پیشرفتهای بی‌شمار در علم، فن‌آوری، ارتباطات آسانتر و غیره است. جهانی‌شدن ارزشها و فرهنگهای جدید زیادی ایجاد می‌کند که باید بررسی شوند. اما جهانی‌سازی به عنوان یک ایدئولوژی درصدد است تا تمام ارزشهای خود را توسط تعداد اندکی انسان غربی بر سایر مردم جهان تحمیل کند. آنها می‌خواهند سایر انسانها را به‌نحوی تغییر دهند که همانند آنها فکر کنند و با از بین بردن دیگر فرهنگها، همه‌ی نظام ارزشی آنها پذیرفته شود. آنها این امر را یک جنگ یا رویارویی تلقی می‌کنند که باید در آن بر دیگران غلبه کنند. تمام انسانهای دیگر در این شرایط باید نقشی منفعل و بدور از هرگونه مشارکت فعال داشته باشند.

جهانی‌سازی سرپوشی برای مخفی ساختن غربی‌سازی و امریکائی‌سازی است (Spybey, 1996; Taylor, 2000) که سعی دارد بقیه مناطق جهان را آنگونه سازد که انسانهای غربی می‌خواهند. در این تلاشها بین قدرتمندان غربی هم چالشهایی وجود دارد. ایالات متحده با دیدگاه جهان‌خواه خود می‌کوشد تا سردمدار و راهبر این جهان‌خواه‌گری باشد و در صدد است در تحمیل کردن خود بر مردم دیگر تنها باشد و سایر کشورهای غربی را از این تسلط و چیرگی کناربگذارد.

با این همه، ما در این پژوهش با این نوع از جهانی‌سازی یا غربی‌سازی یا امریکائی‌سازی سروکار نداریم. این پروژه یک برخورد و تقابل است که باید به عنوان جنگی علیه بشریت ارزیابی گردد. ما در این نوشتار درصددیم درباره

جهانی شدن صحبت کنیم، که البته با غربی شدن و امریکایی شدن متفاوت است. تمام پیشرفتهای جدید در زندگی بشر که تفکر جهانی را پدید آورده است، می‌تواند بر دین تأثیر بگذارد یا از آن متأثر شوند. کار و موضوع پژوهش ما نیز این است.

معمولاً تصور می‌شود که چون جهانی شدن فرآیندی اجتناب‌ناپذیر در دنیای امروز است که شرایط حاصله از پیشرفتهای جدید در فن‌آوری، اقتصاد و سیاست آنرا پدید آورده است، ما در قبال آن ناگزیر از حالت انفعالی هستیم. جهانی شدن سرنوشت محتوم بشری است. ما فقط باید به توصیف و تحلیل آن بپردازیم؛ باید بنشینیم و تمام آنچه را که در این فرایند رخ می‌دهد به عنوان یک تماشاگر نه یک بازیگر نظاره کنیم.

بنظر می‌رسد اینگونه نگرش درباره جهانی شدن چندان درست نباشد. گرچه شرایط و موقعیت‌های بی‌شماری پیرامون ما وجود دارد که ما را مجبور می‌سازد تا در جهت و مسیر جهانی شدن عمل کنیم، ولی اراده آزاد انسانی و توانائی او برای درهم شکستن تمامی حدود و مرزها و انتخاب بهترین گزینه، و حتی در برخی موارد تغییر قدرتمندانه تمام یک مسیر به مسیری بهتر، تمامی این ظرفیت‌ها و قابلیت‌های انسانی او را امیدوار می‌سازد تا در این فرایند عظیم نقشی فعال ایفا کند. ما که می‌کوشیم تا مسؤولیت‌مان را در دنیای جهانی شده بیاوریم، باید نتایج جهانی شدن و تهدیدها و فرصت‌های آن را بشناسیم تا بتوانیم بهترین نقش را در این وضعیت ایفا کنیم و شاید برخی نتایج و تبعات غلط جهانی شدن را تغییر دهیم.

من معتقدم تمام ادیان بویژه اسلام باید، با وجود فشار جو جهانی که می‌کوشد تا آنها را به صورتی منفعل همراه خود کند حضوری فعال در دنیای امروز داشته باشند. آنها باید برای ایفای این نقش فعال نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصتها و تهدیدهایی که متوجه‌شان است را بشناسند. تنها با این شناخت است که می‌تواند مشارکتی عاقلانه و آگاهانه در جهانی شدن داشته باشند.

درگیری جدی اسلام با جهانی شدن

اسلام مانند یهودیت برخوردار از شریعت است، درحالی‌که این امر در مورد مسیحیت و بودیسم که بر اخلاق تأکید دارند صدق نمی‌کند. به خاطر همین ویژگی، قوانین دینی اسلام در همه شؤون و ابعاد زندگی مسلمان مؤمن نفوذ دارد. علاوه بر این، کثرت قوانین دینی اجتماعی در اسلام، این دین را بیشتر با فعالیتهای اجتماعی درگیر می‌کند. اسلام فقط به رابطه شخصی بین انسان و خدا سروکار ندارد تا در تلاش باشد روح انسانی را صرفاً بصورت فردی تغییر دهد. بسیاری از نظریات اسلامی بر ارتباط بین انسان و اجتماع بنا شده است. اسلام بر این عقیده تأکید دارد که ارتباط بین انسان و خدا کامل نمی‌شود مگر اینکه انسان مومن وظایف اجتماعی خویش را انجام دهد وظایف اجتماعی مسلمان مومن تمام شؤون و ابعاد زندگی او مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و پیشرفت اجتماعی را در برمی‌گیرد. بنابراین، اگر او بخواهد مؤمن واقعی باشد نمی‌تواند وظایف اجتماعی‌اش را نادیده بگیرد.

از آنجا که وجود قوانین اجتماعی در اسلام، خصوصیت ذاتی و ماهوی آن را تشکیل می‌دهد، هرکدام از وجوه جهانی شدن باید با قوانین اسلامی ارزیابی گردد. اسلام دارای چارچوبی اقتصادی، همراه با نظامی از ارزشهاست که نمی‌تواند هر چارچوب اقتصادی‌ای را که بر اساس خودبنیادی بشر قطع نظر از فرمان خدا بنا شده بپذیرد. همچنین اسلام دارای نظریات بنیادینی در خصوص سیاست است که بر اساس مبانی خودش بنا شده است. یقیناً اسلام برخی

تفکرات سیاسی (مانند: نژادپرستی، استعمار، و فشار برای پذیرش یک نظام سیاسی و غیره) را رد می‌کند و برخی دیگر را می‌پذیرد. با این مقدمات ملاحظه می‌گردد که اسلام چالش‌های بیشتری نسبت به دیگر ادیان با جهانی شدن دارد. یکی دیگر از تفاوت‌های مهم اسلام و سایر ادیان از توجه و نگرش آن به مسائل دنیوی انسان در کنار زندگی اخروی او ناشی می‌شود. بسیاری از فعالیت‌های ما در طی زندگی مان وجود دارند که گمان می‌کنیم افعالی دینی نیستند، اما در اسلام هریک از فعالیت‌های انسان می‌تواند فعلی دینی تلقی گردد. برای مثال، نگاه اسلام به رابطه جنسی متفاوت با دیگر ادیان است. درست است که در اسلام این رابطه براساس دستورات الهی در برخی موارد ممنوع است و در برخی موارد دیگر مجاز، اما در موارد مجاز آن یعنی رابطه جنسی بین زن و شوهر، این ارتباط عبادتی مانند دیگر انواع عبادات بحساب می‌آید. این بدین معنی است که معنای عبادت در اسلام با دیگر ادیان متفاوت است. فعالیت برای مسائل دنیوی نیز در جهت فعالیت‌های معنوی است. ما نمی‌توانیم سعی و تلاش برای این دنیا را از کوشش برای حیات اخروی مجزا سازیم. این دیدگاه اسلامی سکولاریسم را از جامعه اسلامی نسبت به دیگر جوامع بسیار دورتر می‌گرداند. بنابراین اسلام، دست کم به دلیل دو ویژگی فوق‌الذکر چالش‌های بیشتری با جهانی شدن دارد. اسلام درگیری بیشتری با جهانی شدن (و بیشتر از آن با جهانی‌سازی) دارد.

اما این مطلب به این معنی نیست که انتظار واکنشی انعطاف‌ناپذیر از اسلام در مقابل جهانی شدن داشته باشیم. اگر چنین بود، اسلام در این سیل عظیم جهانی شدن غرق می‌شد. عنصر اجتهاد در اسلام - به ویژه در تشیع - حضور آن را در این فرایند ممکن و مطمئن ساخته است. اجتهاد می‌کوشد تا بدون عدول از اصول اسلامی، راه حلی برای هماهنگ کردن قوانین الهی با موقعیت‌های خاص مکانی و زمانی بیابد.

با عنایت به مقدمات فوق در نظر است که با توجه به فرصتها و تهدیدات جهانی شدن، هم خطرات و هم یاری‌های رسانه برای اسلام در دنیای جهانی شده بررسی گردد.

نقش رسانه در فرصتها و تهدیدهای جهانی شدن برای دین

در میان متفکران معاصر دیدگاه‌های بسیاری هم مثبت و هم منفی درباره جهانی شدن وجود دارد. من فکر می‌کنم با نگاهی اجمالی به آنها و اضافه کردن چند دیدگاه دیگر می‌توان آنها را به دو شاخه فرصتها و تهدیدها برای ادیان بویژه اسلام، برای حضورشان در دنیای جهانی شده کنونی طبقه‌بندی کنیم. واضح است که بیشترین تأثیر جهانی شدن از طریق رسانه صورت گرفته است (Ploman, 1984, p 37; Gates, 1995, pp 8-9) رسانه از نقشی تعیین کننده در همه ابعاد جهانی شدن از قبیل اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ برخوردار است. حمایت‌های مالی فراوان از رسانه‌ها توسط کسانی که تصور می‌کنند باید حکمران جهان باشند، دال بر این است که رسانه مهمترین جنبه و عامل در جهانی شدن است. با برشمردن فرصتها و تهدیدهای جهانی شدن برای ادیان بطور عام و اسلام بطور خاص، خطرات و یاری‌های رسانه برای اسلام را بررسی می‌گردد:

فرصتها:

۱. **مجال حضور در فعالیتهای جهانی با استفاده از فن‌آوری‌ها و امکانات جدید و رساندن پیام دینی به همگان.** رسانه‌ها فرصت زیادی برای توجه به ادیان در هر جای دنیا و هر خانه‌ای فراهم ساخته‌اند. دیگر فعالیت رهبران دینی به اماکن مذهبی و در میان کسانی که به علت تمایل خود به آن مکانها می‌روند، محدود نمی‌شود

بلکه رهبران دینی می‌توانند پیام ادیان را به هر فردی در هر کجائی که باشد برسانند؛ آنها می‌توانند تبلیغات دینی خود را با نیازهای جدید هماهنگ سازند. این امر مطالعه عمیقتر و واقعی‌تر ادیان را در پی خواهد داشت.

۲. نیاز دنیای معاصر به راه‌حلی اخلاقی برای آلودگی محیط زیست که دخالت و فعالیت ادیان

را ضروری می‌سازد. در حالیکه قرن بیستم، قرن پیشرفت در علم و تکنولوژی برای انسان بود تا از توانائی‌های خود برای به خدمت گرفتن آنها استفاده کند (Peccei, 1969; Commoner, 1971, Meadows & others, 1992) قرن بیست و یکم با نگاهی به همه مصائب و مشکلاتی که این توسعه تکنولوژیکی برای انسان بوجود آورده است، قرنی سراسر بدگمانی و سوء ظن به این‌گونه فعالیت‌های انسان گردیده است. به همین دلیل است که قرن بیست و یکم قرن محیط زیست نامیده شده است. این رهیافت جدید، اخلاق زیستی را به بطن محافل علمی و تکنولوژیکی کشانده است. به خاطر ناکارآمدی‌ها و ناتوانائی‌های اخلاق زیستی سکولار، نیاز به ادیان برای رفع آلودگی‌های زیست محیطی که خودخواهی بشر آنرا بوجود آورده است، در این قرن بیشتر و مهمتر شده است. پرفسور نصر این مسأله را و همچنین نقش دین را در کمک به انسانیت در جهت ارائه بهترین راه‌حل، در کتاب «دین و سامان طبیعت» به خوبی تحلیل و بررسی کرده است. او در این کتاب تأکید می‌کند که بیشترین ظرفیت را در این راستا در اسلام می‌توان یافت. رسانه‌ها نقش خود را در طرح این مشکل و خطرات آلودگی‌های ناشی از علم و تکنولوژی سکولار و نیاز جدی به یک راه‌حل، به خوبی ایفا کرده‌اند. بنابراین رسانه‌ها بطور غیر مستقیم ضرورت یک راه‌حل و ناتوانایی‌های راه‌حل‌های اومانیستی که خود همان رویکرد اومانیستی همه این مشکلات را ایجاد کرده است، نشان داده‌اند. این موقعیت می‌تواند فرصتی برای ادیان باشد تا نقش خویش را در جهت نجات‌بخشی بشریت مطرح سازند.

۳. تأکید بر فرهنگ بومی بجای فرهنگ بیگانه که در گذشته تنها فرهنگ برتر بود. در گذشته

تمدن و فرهنگ غربی، تمدن توسعه‌یافته تلقی می‌شد که باید دیگر فرهنگها تشبه به این ایده‌آل را هدف خود قرار می‌دادند. غربی شدن در میان روشنفکران تنها راه برای پیشرفت در تمام شئون زندگی بود که صرفاً با طرد و زیر پا گذاشتن فرهنگ سنتی امکان‌پذیر بود. به یاد آوریم آنچه را که ۷۰ سال پیش در ترکیه و ایران در این جهت اتفاق افتاد. فرهنگ غربی در قرن گذشته بر سکولاریسم تأکید می‌ورزید و دین را از جامعه، حتی به عنوان یکی از ابعاد فرهنگ غالب کنار می‌گذاشت. در دهه‌های اخیر فرهنگ غربی ناتوانی‌ها و در برخی موارد خطرات خود را برای بشریت (مثل جنگ جهانی دوم) نشان داده است. این یأس و ناامیدی از غربی‌شدن و توجه به فرهنگهای منطقه‌ای و اتکاء به فرهنگ خودی، گفتمان جدید در میان روشنفکران گردیده است. این امر باعث شد تا دین در اکثر کشورها از حاشیه به بطن فعالیت‌های فرهنگی منتقل شود. اگرچه کشورهای غربی سعی می‌کنند از طریق رسانه‌ها ارزشهای خود را بر سایر مردم دنیا تحمیل کنند، اما دسترسی به اطلاعات پیرامون فجایع غرب بواسطه همین رسانه‌ها باعث آگاهی از نقص‌های فرهنگ غربی و مزایای فرهنگ و سنت خودی شده است. بیداری مسلمانان در سالهای اخیر یکی از شواهد این امر است.

۴. درک متقابل بهتر ادیان. در گذشته تصور ادیان از یکدیگر چنان ضعیف بود که تنها نوعی مقابله و

دشمنی را در میان آنها در فضایی تاریک و بدور از درک نقاط قوت دیگران باعث می‌شد. اگرچه هنوز هم برخی شرارت‌ها در ایجاد تصویری منفی و غلط از بعضی ادیان توسط برخی رسانه‌ها وجود دارد، اما شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و اینترنت فرصتی را برای فهم بهتر پیروان یک دین از سایر ادیان فراهم ساخته است (Robertson &

Garrett, 1991) گفتگوی فزاینده میان ادیان می‌تواند نتیجه این بخش از توسعه باشد. اگر چنین باشد، اسلام از مزیت معرفی خود به عنوان کاملترین دین که نظریاتی فراگیر در مورد همه شئون حیات بشری دارد، برخوردار خواهد بود؛ درحالی‌که سایرین به توجه به برخی فعالیت‌های خاص انسانی محدود شده‌اند.

۵. **پیشرفت فرهنگها و بعد دینی آنها.** اکثر مومنان، در گذشته شناختی سطحی از دین خویش داشتند؛ لذا باورهای آنها چندان عمیق نبود. دسترسی این مومنان به اندیشمندان و منابع معرفت دینی خویش و آگاهی از آنها دسترسی محدودی داشتند. رسانه در عصر جهانی می‌تواند عمق پیام هر دینی را برای همگان در سراسر جهان دست‌یافتنی و سهل‌الوصول سازد.

۶. **شناخت نقاط قوت و ضعف هر دینی در مقابل سایر ادیان.** شرایط جدید جهان معاصر با تغییرات بسیاری که در ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای بوجود آمده است، مشکلات و مسائل جدیدی را فراروی ادیان ایجاد کرده است که باید ادیان واکنش و راه‌حل خاصی را برای آن داشته باشند. هر دینی عکس‌العملی خاص در قبال مشکلات جهانی دارد. این گونه رویکردهای هر دین می‌تواند توسط دیگر ادیان بررسی و واکاوی شود و نتیجه، ارزیابی کارآمدی هر دین خواهد بود. در این فرایند هر کدام می‌توانند نقاط ضعف و قوت خویش را در میان سایرین بشناسند. ادیانی که دارای این انعطاف‌پذیری در برابر شرایط جدید، بدون عدول از اصول بنیادین خود، باشند مجال خواهند یافت تا توسعه یابند و پیشرفت کنند. در عصر جهانی، مشکلات جهانی برای همه ادیان یکسان است و آنها می‌توانند در یک رقابت، برای نشان دادن قابلیت‌های خود برای ارائه برخی راه‌حلها شرکت کنند. این امر برای شیعه، بخاطر عنصر بنیادین اجتهاد فرصت خوبی ایجاد می‌کند تا تواناییهای خود را در میان سایر مذاهب عرضه کند. رسانه‌ها به ما این امکان را می‌دهند تا از سایر ادیان و واکنش آنها در قبال مسائل جهانی که با سایر قلمروهای دینی ارزیابی می‌شود، مطلع شویم.

۷. **پیشرفت ادیان با تشریک مساعی‌شان برای درکی واقعی‌تر از جهان معاصر.** ادیان در گذشته، محدود به آموزه‌ها و جزم‌هایی پیشینی بدون هرگونه انعطاف‌پذیری در برابر شرایط حیات بشری بودند. آنها می‌توانستند تنها در قالب دسته‌هایی کوچک و در بخش کوچکی از جهان فعالیت کنند. اما جهانی‌شدن ادیان را با مسائل اجتماعی و فرهنگی بی‌شماری درگیر کرده است بگونه‌ای که دیگر نمی‌توانند محدود به برخی فعالیت‌های منطقه‌ای گردند و ممکن نیست خود را از این واقعیات کنار بکشند. بنابراین ادیانی که بخواهند همواره زنده و پویا بمانند و فعالیت‌های خود را گسترش دهند، نمی‌توانند این شرایط جدید را نادیده بگیرند و باید واکنشی مناسب در قبال این مسائل داشته باشند. این امر باعث نوعی رشد در ادیان و رویکرد ادیان به واقعیات عالم می‌شود. از آنجاکه اسلام دینی اجتماعی‌تر است، درگیری بیشتری با این شرایط عینی دارد. در این راستا نقش رسانه‌ها بسیار مهم است. رسانه‌ها می‌توانند برای بوجود آمدن نظریات بسط‌یافته ادیان بین کسانی که واقعیات عالم معاصر را مطرح می‌کنند از یک‌طرف و اندیشمندان دینی از طرف دیگر بحث‌ها و گفتگوهای ترتیب دهند. در سالهای اخیر رسانه‌ها اهمیت خویش را در جهت جلب توجه مردم به این نوع مذاکرات در سراسر جهان، نشان داده‌اند.

۸. امکان حضور فعال در جوامع با به انزوا کشیده شدن مدل الحادی مدرنیته متأخر که با

نقادی‌های پسامدرن ممکن شده است. ویژگی ذاتی مدرنیته متأخر در قرن‌های نوزدهم و بیستم، یک نوع جهان‌بینی الحادی‌ای بود که معتقد بود باید رهیافت‌های دینی کنار گذاشته شوند. غلبه این رهیافت مدرن محدودیت‌های زیادی برای حضور و عمل ادیان بوجود آورد. این محدودیت‌ها با نقادی‌های متفکران پسامدرن از مدرنیته برداشته شد. مدرنیته به عنوان علت و خاستگاه این رهیافت الحادی بیشتر و بیشتر زیر سؤال رفت، لذا چنان ضعیف شده بود که نمی‌توانست ادیان را زیر سؤال ببرد. علاوه بر این، در دیدگاه متفکران پسامدرن فرهنگ‌های محلی به جای غلبه ارزش‌های غربی اهمیت یافته بودند (Albrow, 1996; Harvey, 1989). مطابق نظر ترنر (Turner) در این وضعیت دو جایگزین وجود دارد: پسامدرنیته و اسلام. بنابراین، این شرایط فرصت خوبی برای توجه به ادیان به خصوص اسلام خواهد بود.

۹. دسترسی ساده‌تر به اطلاعات در کشورهای کمتر توسعه یافته. جهانی‌شدن با پیشرفت

تکنولوژی‌های رسانه‌ای و فن‌آوری اطلاعات، مخصوصاً اینترنت، همه نقاط دنیا را به هم متصل نموده است (Wriston, 1992, pp. 170-1). اما این کشورهای کمتر توسعه یافته هستند که بیشترین استفاده و منفعت را از این ارتباطات خواهند برد (Fredrick, 1993; Lee, 1996; Harcourt, 1999). مردم این کشورها با گسترش فناوری اطلاعات توانسته‌اند دسترسی بیشتری به علوم و اطلاعات بیابند که بیشتر نوعی مزیت و برتری و توانائی را برای کشورهای قدرتمند در پی داشته است. دسترسی کشورهای قدرتمند به اطلاعات دیگر کشورها نفع اندکی برای آنها دارد درحالی‌که این گونه دسترسی‌ها می‌تواند باعث پیشرفت بیشتری برای دیگر کشورها شود. این امر حضور دیگر کشورها را در مراکز اطلاعاتی کشورهای قدرتمند امکان‌پذیر می‌سازد؛ در حالی که در گذشته غرب امکان دسترسی را محدود می‌ساخت. این شرایط فرصتی است برای متفکران مسلمان تا خود را با بهره‌گیری از اینترنت و پست الکترونیک در دیگر کشورها مطرح کنند و در آنها تأثیرگذار باشند. طومارها و تبلیغات برای برخی فعالیت‌ها از قبیل تحریم شرکتهای ضد اسلامی امریکائی نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست.

۱۰. تجدید حیات دینی. مشکلات جهانی و ضعف انسان برای عرضه زندگی‌ای بهتر، او را از رویکردهای

سکولار به مشکلاتش مأیوس ساخته است. این امر می‌تواند پس از یک دوره غیبت ادیان در زندگی انسان، منجر به نوعی اقبال و روی آوردن به ادیان شود. این وضعیت فرصتی برای ادیان فراهم ساخته است تا فعالیت‌های خود را گسترش دهند (Muzaffar, 1993). این رسانه است که می‌تواند این مشکلات جهانی و ضعف انسان را که نوعی یأس را در پی داشته است، نشان دهد و به کسانی که در جهت پیشبرد احیای دینی تلاش می‌کنند، یاری رساند.

تهدیدها:

۱. امپریالیسم فرهنگی. جهان‌خوارگرایی غربی به خوبی می‌داند که آینده جهان از آن کسانی است که از

نظر فرهنگی بر دیگران تأثیر بگذارند. امپریالیسم فقط به منافع خویش می‌اندیشد، همان منافعی که فقط آن کسانی به آن دست پیدا خواهند کرد که بتوانند اذهان دیگر را مسخر خویش سازند (Tomlinson, 1992, 1991; Petras, 1993). امپریالیست‌ها نیاز دارند اذهان دیگران را به نحوی تغییر دهند که ارزش‌های سرمایه‌داری را بپذیرند و یک مصرف‌کننده خوب برای تولیدات آنها باشند. این یکی از چالش‌های حقیقی و مهم ادیان است که به نزاع با آن

دسته از ارزشهای دنیوی جهان‌خوارگان برخیزند که می‌خواهند حیات معنوی و ارزشهای انسانی نادیده گرفته شود. از آنجا که اسلام درست به اندازه ارزشهای معنوی فرد، به ارزشهای دینی اجتماعی هم می‌اندیشد، این چالش برای اسلام جدی‌تر خواهد بود. از آنجا که این چالش مهمترین چالش‌های امپریالیست‌هاست، در نتیجه رسانه برای آنها مهمترین وسیله خواهد بود تا با تسلط بر آن، ارزشهای خود را تحمیل کنند.

۲. **از بین رفتن سنتهای کهن با سلطه فرهنگ غربی.** جهانی‌شدن رقابتی ایجاد کرده است که در آن قدرت عامل تعیین‌کننده برای پیروزی و موفقیت است (Ling, 2000). سنتهای کهن که ارزش‌های ویژه‌ای را در خانواده، روابط انسانی و احترام به دیگران تحکیم می‌نمود، در این رقابت جهانی از میان خواهند رفت. این ویران‌سازی خطری است برای ادیانی که غالباً با چنین ارزشهای محلی و بومی عجین شده‌اند. شیوه‌های جدید زندگی که توسط رسانه‌ها ترویج می‌شوند در جهت طرد سنتهای گذشته جهت‌گیری می‌شوند (Schiller, 1991). مسأله شکاف میان نسلها که رسانه‌ها برای ما به ارمغان آورده‌اند، تهدیدی طبیعی از فرآیند جهانی‌شدن است. از آنجا که اسلام به طور فعال به طرد این ارزشهای غربی می‌پردازد، لذا در مرکز این چالش قرار دارد و بی‌جهت نیست که رسانه‌های غربی مستقیماً علیه آن اعلان جنگ کرده‌اند.

۳. **زوال ارزشهای والای انسانی.** از آنجا که ارزش غالب و تحمیلی جهانی‌شدن لذت بردن است تا تولیدکنندگان منفعت بیشتری ببرند، هدف اقتصاد جهانی تحکیم فرهنگ لذت و رفاه جسمانی است که بر طرد ارزشهای والا و متعالی‌ای متمرکز شده است که نمی‌تواند در رابطه تولیدکننده-مصرف‌کننده معنا پیدا کند. اخلاق سکولار در خدمت لذت‌های فردی است. جهانی‌شدن برخی ارزشهای والای انسانی را از قبیل عشق به یکدیگر و خانواده و احترام به دیگران که ادیان درصدد حفظ آنها برای انسان هستند از میدان بدر کرده است. این رسانه‌ها هستند که مسأله اشاعه و تحمیل ارزشهای جهانی‌شدن همچون سکس و خشونت، هستند. ما باید بر اساس ساختار ارزشی خود که جهانی‌شدن درصدد تغییر آن به روش غربی است، تصمیم بگیریم. این یکی از تهدیدهای عمده جهانی‌شدن برای بشریت است.

۴. **از بین رفتن امنیت فرهنگی و فکری.** ارزش و معیار اصلی در جهانی‌شدن نفع افراد است. این امر برای انسان تنهایی و انزوا را به ارمغان آورده است. در فرآیند جهانی‌شدن هیچ چیزی انسان را با گذشته‌اش و دیگران که می‌توانند امنیت و آرامش روانی او را فراهم کنند، مرتبط نمی‌سازد. فرهنگ جهانی‌شدن همه دیگر فرهنگهای ریشه‌داری که در گذشته به انسان آرامش می‌دادند، از بین برده است. در این موضوع، ادیان چالشی عمده با جهانی‌شدن دارند. امنیت معنوی و روانی و ارزشهای دینی در تعارض با ارزشهای جهانی‌شدن هستند؛ همان ارزشهایی که ضرورتاً، به علت انزوای فرد که به عنوان تأمین‌کننده سود بیشتر برای او تعریف شده است، به تخریب ذهن انسان منجر می‌شوند. رسانه‌های گروهی مسأله تحمیل این ارزشها هستند. در نتیجه رسانه‌ها طلایه‌دار این چالش هستند.

۵. **سلطه فرهنگی کشورهای قدرتمند بر دیگر فرهنگها.** در یک رقابت جهانی بین فرهنگها، قدرت عمده‌ترین نقش را در سلطه یک فرهنگ خواهد داشت. یکی از تهدیدهای جهانی‌شدن عبارتست از استیلاء یک فرهنگ و تخریب فرهنگهای دیگر و مزایای خاص آنها. ابزار این سلطه رسانه‌ها هستند که تلاش می‌کنند تصویر و نمایی غلط از ادیان بویژه اسلام که در مقابل فرهنگ جهانی‌شدن قرار دارند، نشان دهند.

۶. **اشاعه جرم و جنایت و تخریب موانعی که دین در قبال انحطاط بشری بوجود آورده است.** رسانه‌ها برای منفعت خود نیاز به جذب مخاطبان بیشتری دارند که در وهله نخست به نفع و لذت خودشان می‌اندیشند. اگر جهانی شدن که بر رفاه دنیوی انسانها بنیان نهاده شده است، بخواهد برای رشد خود جاذبه بیشتری را به چنگ آورد، باید بواسطه رسانه در جهت لذت انسان گام بردارد. اگر رسانه‌ها بخواهند در جهت ارزشهای جهانی شدن باشند، نتیجه فعالیت‌های آنها ترویج جرم و جنایت و تباهی‌های دیگر از قبیل محو پاکدامنی و حیا که از آموزه‌های ضروری ادیان هستند، خواهد بود.

۷. **نابودی طیف گسترده‌ای از تواناییها و امکانات دیگر جوامع در ارائه راه‌حل‌های ابتکاری** برای مشکلات سیاسی، محیطی و اقتصادی. در نگرش لیبرال جدید به جهانی شدن که معتقد است تنها یک ایدئولوژی، یعنی لیبرالیسم جدید، باید وجود داشته باشد که هدایت جهانی شدن را بدست بگیرد و دیگران باید کم‌کم کنار بروند، دنیا توانایی خاص دیگر فرهنگها و راه‌حل‌های ابتکاری آنها را برای حل مشکلات بشری از دست خواهد داد (Mander & Goldsmith, 1996). رویکرد لیبرال جدید نه تنها ناتوانی‌های خود را برای ارائه زندگی بهتر برای انسان نشان داده است، بلکه به خاطر مداخله بی جهت خویش در موضوعات جهانی مشکلات و تهدیدهای جدیدی را بوجود آورده است. رسانه‌هایی هم که تکنولوژی و قدرت آنها تحت سلطه این رهیافت لیبرال جدید است، مسئول پذیرش ایدئولوژی لیبرال جدید و طرد و محو دیگر ایدئولوژی‌ها هستند.

۸. **تسلط نسبییت و از دست دادن هرگونه نقطه اتکاء برای انسان معاصر.** برخی رویکردها به جهانی شدن تسامح را که برای فعالیت جهانی ضروری است با نسبییت خلط کرده‌اند؛ و نسبییت به عنوان منطق جهانی شدن آنها در نوعی کثرت‌گرایی متجلی گردیده است (Axford, 1995; Luke, 1955; O'Tuathail, 1996, ch.7). با غلبه نسبییت‌انگاری، هیچ نقطه اتکایی برای انسان‌ها در زندگی‌شان وجود نخواهد داشت. این نگرش جریانی است که رسانه‌ها ناخودآگاه آن را هدایت می‌کنند. نسبییت درصدد است ارزشهای مطلق و والای ادیان را که بر گرایش یکسان فطری انسان مبتنی است، انکار و طرد کند.

۹. **کنترل ناخواسته و تغییر افکار عمومی توسط صاحبان قدرت از طریق فن‌آوری اطلاعات.** اگرچه انسان معاصر بر این باور است که بر اساس اراده آزاد خود هر چیزی را انتخاب می‌کند، و او با حضور دموکراتیک خود در جامعه هر چیزی را که بخواهد آزادانه انتخاب می‌کند، اما تحلیل دقیق آزادی و اختیار انسان در شرایط فعلی نشان می‌دهد که این رسانه جهانی شده است که ناخودآگاه آزادی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انسان گمان می‌کند آزاد است اما به اجبار جهتی را انتخاب می‌کند که رسانه‌های تحت سلطه شرکتهای بزرگ تعیین می‌کنند. این کنترل ناخواسته یکی از بزرگترین تهدیدها برای بشریت مخصوصاً برای حضور ادیان در ارائه اختیار حقیقی، صلح، تعالی و آسایش فکری به انسان است.

۱۰. **تحمیل اومانیسیم و سکولاریسم که منجر به فجایعی مثل فاشیسم، نژادپرستی، نازیسم در سده گذشته شده است.** اومانیسیم آموزه بنیادین جهانی شدن است که تنها می‌تواند با یک دین شخصی و فردی

سازگاری پیدا کند. برای فعالیت‌های جهانی شرکت‌های بزرگ ضرورت دارد تا اومانیسیم و سکولاریسم رواج یابد (Leizer & Davies, 1944, pp. 39, 201, 205, 219). اما این دو ایدئولوژی در آزمون‌های کارایی‌شان با آن فجایی که در قرن گذشته برای بشریت ایجاد کرده‌اند همچون جنگ جهانی دوم و ظهور مشکلات مارکسیسم، فاشیسم و نژادپرستی، به شکست انجامیده‌اند.

اینها برخی از فرصتها و تهدیدهای جهانی‌شدن و ابزار و وسیله مهم آن، یعنی رسانه، برای ادیان مخصوصاً اسلام بودند. ما باید این وضعیت بشر را بیشتر مورد تحلیل قرار دهیم و تلاش کنیم نقشی فعال در این راستا داشته باشیم. آینده از آن کسانی است که به حضور فعال در این فرایند معتقدند، نه کسانی که منفعلانه نتایج و تبعات جهانی‌شدن را به نظاره می‌نشینند.

منابع

- Albrow, M. (1996) *The Global Age: State and Society beyond Modernity*. Cambridge: Polity Press.
- Anheier, H. K., Glasius, M. and Kaldor, M. (2001) *Global Civil Society 2001*, New York: Oxford University Press.
- Axford, B. (1995) *The Global System: Economics, Politics and Culture*. Cambridge: Polity Press.
- Commoner, B. (1971) *The Closing Circle: Confronting the Environmental Crisis*. London: Cape.
- Fredrick, H. (1993) 'Computer Networks and the Emergence of Global Civil Society', in L. Haraism (ed.), *Global Network: Computers and International Communication*. Cambridge, MA: MIT Press, pp. 283-95.
- Gates, B. (1995) *The Road Ahead*. London: Viking.
- Harcourt, W. (1999) *Women & Internet: creating New Cultures in Cyberspace*. London: Zed.
- Harvey, D. (1989) *The Condition of Postmodernity: an Enquiry into the Conditions of Cultural Change*. Oxford: Blackwell.
- Lee, E. (1997) *The Labour Movement and the Internet: The New Internationalism*. London: Pluto.
- Ling, L. H. M. (2000) "Globalization and the Spectre of Fu Manchu: White Man's Burden as Dark Irony", in J.-S. Fritz and M. Lensu (eds), *Value Pluralism, Normative Theory and International Relations*. London: Macmillan, pp. 132-59.
- Luke, T. W. (1995) 'New World Order or New World Orders: Power, Politics and Ideology in Informationalizing Glocalities', in M. Featherstone, *Global Modernities*. London: Sage, pp. 91-107.
- Mander, J. and E. Goldsmith (eds) (1996) *The Case against the Global Economy and the Turn to the Local*. San Francisco: Sierra Club Books.

- Meadows, D. H. et al. (1992) *Beyond the Limits: a Global Collapse or a Sustainable Future*. London: Earthscan.
- Muzaffar, C. (1993) *Human Rights and the New World Order*. Penang: Just World Trust.
- Peccei, A. (1969) *The Chasm Ahead*. London: Macmillan.
- Petras, J. (1993) 'Cultural Imperialism in the Late 20th Century', *Journal of Contemporary Asia*, vol. 23, no. 2, pp. 139-48.
- Ploman, E. W. (1984) *Space, Earth and Communication*. Westport, CT: Quorum.
- Reiser, O.L. and Davies, B. (1944) *Planetary Democracy: an Introduction to Scientific Humanism and applies Semantics*. New York: Creative Age Press.
- Robertson, R. and W. R. Garrett (eds) (1991) *Religion and Global Order*. New York: Paragon House.
- Spybey, T. (1996) *Globalization and World Society*. Cambridge: Polity Press.
- Taylor, P.J. (2000) 'Izations of the World: Americanization, Modernization and Globalization'. In C. Hay and D. Marsh (eds) *Demystifying Globalization*. Basingstoke: Macmillan. Pp. 49-70.
- Tomlinson, J. (1995) 'Homogenisation and Globalization', *History of European Ideas*, vol. 20, nos 4-6 (February), pp. 891-7.
- United Nations Development Programme (UNDP). (2004) *Human Development Report 2004: Cultural Liberty in Today,s Diverse World*, New Yourk, N.Y.: Oxford University Press.
- United Nations Educational Scientific and Cultural Organization (UNESCO) (1996) *Our Creative Diversity*, Report of the World Commission on Culture and Development, Paris: UNESCO Publishing.
- (1998) *World Culture Report: culture, creativity and markets*, Paris: UNESCO Publishing.
- (2000) *World Culture Report: cultural diversity, conflict and pluralism*, Paris: UNESCO Publishing.
- Wriston, W. B. (1992) *The Twilight of Sovereignty: How the Information Revolution Is Transforming Our World*. New York: Charles Scibner's Sons.